خلاصه‌ای از مباحث سابق

شاگرد: سؤالی داشتم؛ البته ابتدا باید سیری که حضرتعالی داشتید را بگویم و بعد سوالم را مطرح کنم. حضرتعالی وقتی خواستید روایت «ازدهٔ فی شهر رمضان» را از نیت فاصله بدهید، فرمودید باید بحث مدیریت امتثال درست تنقیح شود. سه عنصر را فرمودید؛ بحث سهولت، نظم و تعظیم شعائر. یعنی شارع می‌خواهد با اینها مدیریت کند. گویا اینها به نحو إنّی از دو عنصر کشف می‌کند که برای خود شارع است و لازم هم نیست آنها را بگوید. بحث بقاء شریعت و استیعاب شریعت. اگر درست بگویم مد نظر جنابعالی این است که بقاء شریعت و استیعاب شریعت یک نوع محمل غرض هستند که نظم و سهولت و تعظیم، حامل ارزش آنها می‌شود.

استاد: بله، منافاتی هم ندارد که خود آن سه تا محمل غرضی در طول آنها باشند.

شاگرد: فرمایش اصلی شما از اینجا شروع شد که استصحاب یک پشتوانه‌ای دارد که شارع آن پشتوانه را به‌صورت همگرا مدیریت می‌کند. آن پشتوانه شئونات مختلفی دارد که لازم نیست شارع برای مدیریت با لسان مألوف استصحاب آنها را بیان کند. این شئونات همان پشتوانه و استصحاب است ولی گاهی تأکید شارع این است که حرمت آن را پررنگ کند و یقین دوم آن را پر رنگ کند، گاهی وقتها شأن استصحاب این است که نظم مد نظر است؛ یعنی در لسان استصحاب شأن نظم را پر رنگ می‌کند. در این چهار مورد از فرائضی هم که فرمودید به‌دنبال این هستید که همان پشتوانه های استصحاب است ولی با توجه به غرضی که در هر مورد هست، یک شأن آن پررنگ شده است. سؤال من این است: چنانچه از سیر بحث معلوم می‌شد این موارد –سهولت و نظم و...- که فرمودید بیشتر برای تنقیح فضای مدیریت امتثال بود. خب اینها فی الجمله در مقام انشائات ثبوتی هم هستند. مثلاً فضای تسهیل در صلات مسافر هم هست. ما به‌صورت طولی آن را در چهار رکعت حاضره بیان کردیم. خب در اینجا هم تسهیل هست. منظور شما این است که اینها در مقام امتثال بیشتر هستند؟ یا مد نظر شما این است که اینها کلاً در شریعت هستند؟ یعنی هم در مدیریت امتثال از آنها استفاده می‌شود و هم در انشائات طولی ثبوتی از آنها استفاده می‌شود؟ به این معنی که اینگونه نیست که در یک طرف ترجیح در استفاده بیشتر داشته باشد.

استاد: قسمت اخیر فرمایش شما این بود که آیا در عالم ثبوت هست یا نیست. این توضیحاتی که من عرض کردم تنها برای بیان مدیریت امتثال بود. نه برای اینکه بگوییم اثبات شیء نفی ما عدا می‌کند. منظور من اصلاً این نبود. ما اصلاً در عالم ثبوت را بحث نکرده‌ایم. در عالم ثبوت مسأله ملاکات و اقتضائات است با قطع نظر از وقتی که مکلف می‌خواهد آنها را انجام بدهد. شارع حکیم اقتضائات و ملاکات نفس الامری را با تزاحماتش در نظر می‌گیرد که در آن ملاکات، تسهیل هم می‌تواند جزئش باشد. هیچ مانعی ندارد. نظم می‌تواند مد نظر قرار بگیرد و بلکه هست. یعنی وقتی که ما انشائات ثبوتی می‌کنیم نمی‌شود که نظم را در نظر نگیریم. بالتبعیه وقتی در یک مجلسی می‌خواهند قانونی را بگذارند اگر بگوییم می‌خواهند نظم را رعایت کنند، بگویند وقتی قانون می‌گذارند به نظم کاری ندارند. فقط وقتی قانون را گذاشتند و می‌خواستند اجراء کنند به فکر نظم می‌افتند. این جور نیست. بلکه هم وقتی قانون را می‌گذارند به فکر نظم هستند و هم وقتی که می‌خواهند آن را اجرا کنند به فکر نظم هستند. اینها درست است و اتفاقاً بحثها در عالم ثبوت گسترده‌تر است. ولی در آن جا یک ضوابط دیگری دارد که باید با مبادی بیشتر وارد آن جا بشویم.

بازبینی #1
ایجاد شده 30 مه 2026 15:06:51 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2026 15:07:22 توسط ... .